

سیاست

شهر روز شریعتی، عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس در گفت‌وگو با «ایران جمعه» مطرح کرد

هدف پکن از توسعه روابط با عربستان تداوم بخشیدن به توسعه اقتصادی چین است

دارد و ناشی از به چالش کشیده شدن ثبات هژمونیک این کشور در غرب آسیا است نیز اشاره کرد. برای مثال تشکیل گروه «کواد» در شرق آسیا و سپس تشکیل گروه ۱۴-۲۰ یا کواد جدید در غرب آسیا و همچنین تقویت ناتو در اروپا، یادآور اقدامات ایالات متحده در تشکیل ستیو در شرق آسیا، سنتو در غرب آسیا و ناتو در اروپا و بازآفرینی دکترین «سد نفوذ» جرج کنان در سیاست خارجی امریکا است.

به بیان بهتر تغییر چشم انداز ژئواستراتژیک در سطح جهانی و غرب آسیا و ظهور چین در برابر هژمونی ایالات متحده موجب شده تا ایالات متحده اقدامات و ابتکارهای جدیدی را برای مهار چین طراحی کند که نمونه آن همکاری سه‌جانبه امارات، هند، رژیم صهیونیستی، تحت رهبری ایالات متحده است. افزایش قدرت و چین در سطح نظام بین‌الملل و همچنین چالش‌های ایالات متحده در غرب آسیا، بیش از یک دهه است که واشنگتن را به سمت راهبرد موازنه فراساحلی و احاله مسئولیت به کشورهای منطقه‌ای سوق داده و امریکا می‌کوشد با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و پیوند دادن این ائتلاف‌ها به یکدیگر، در عمل شبکه نفوذ جهانی خود را در برابر چین حفظ کند.

به بیان دیگر اگر «کواد دو» در کنار «ناتو» و «کواد یک» (هند، امریکا، استرالیا، ژاپن، آو آکوس (امریکا، استرالیا و بریتانیا) با محوریت شرق آسیا، در نظر گرفته شود، می‌توان زنجیره‌ای از متحدان واشنگتن را در سراسر جهان متصور شد که هدفی را جز مهار چین و تاحدودی روسیه در ابعاد مختلف پیگیری نمی‌کنند.

وضعیت فعلی و چشم‌انداز ارتباط ایران با چین را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

کشور ایران یک سال پس از آغاز رسمی طرح کمربند-راه از سوی دولت چین، یعنی در سال ۲۰۱۴، به طور رسمی عضویت خود در طرح کمربند-راه را اعلام کرد و پس از سفر شریعتی چین پیگ به ایران در سال ۲۰۱۶، طرح‌ها و پروژه‌های همکاری بسیاری میان دو کشور منعقد شد اما از سال ۲۰۱۸ به بعد در عمل تمامی همکاری ایران و چین ذیل طرح کمربند-راه تحت تأثیر تغییر مناسبات جهانی از جمله خروج دولت امریکا از برجام و تشدید تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران قرار گرفته و وضعیت ایران در این طرح بیش از پیش مبهم شده است. با وجود آنکه در سال ۲۰۲۱، قرارداد همکاری ۲۵ ساله‌ای میان دو کشور ایران و چین منعقد شد و مقامات دو کشور اعلام کردند که همکاری ایران و چین در ابعاد مختلف از جمله در طرح کمربند-راه گسترش و تعمیق خواهد یافت با وجود تبلیغات و جنجال رسانه‌های غربی هنوز اقدام مشخصی از سوی طرف چینی یا شرکت‌های آنان صورت نگرفته و حتی طبق آخرین اطلاعات از مذاکرات اقتصادی تهران و پکن، متأسفانه این بانک‌ها و سرمایه‌گذاران چینی‌ها هستند که با وجود اعلام آمادگی ایران، پیشنهادهای جذاب و عادلانه‌ای را برای سرمایه‌گذاری به ایران ارائه نمی‌دهند. بدین ترتیب به نظر می‌رسد بر خلاف تصور عمومی و برخی جنجال‌های رسانه‌ای مبنی بر اشتیاق فراوان چین و ایران برای توسعه همکاری‌های مشترک، طرفین به دلایل متعدد داخلی و خارجی شتاب چندانی برای بسط همکاری‌ها ندارند و هنوز نخوابسته یا نتوانسته‌اند آنچه را در تفاهنامه‌ها حاصل می‌شود، پیاده‌سازی کنند.



این نقشه به کریدورهای مدنظر و مورد استفاده چین اشاره دارد. مسیر دریایی که از آسیای جنوب شرقی، اقیانوس هند و دریای عرب عبور می‌کند، در حال حاضر مورد استفاده است. این مسیر با عبور از منطقه جنوب غربی آسیا کشورهای عربی مانند عربستان را نیز در این طرح دخل می‌کند. مسیر شمالی اما کریدور دیگری را ترسیم می‌کند که کشورهای همچون جمهوری آذربایجان و ترکیه نیز از راه‌اندازی آن استقبال می‌کنند. کریدوری که در صورت برقراری کامل، سود سرشاری را روانه کشورهای محل عبور کریدور ترانزیتی می‌کند.

سارا اعلانی

دبیر گروه سیاست
Sarah.aghelli@gmail.com



چین در چند هفته گذشته یکی از خیرسازهای منطقه غرب آسیا بود. ابتدا با سفر «شی‌جین پینگ»، رئیس‌جمهور این کشور به عربستان سعودی و سپس سفر «هو چون هوا» معاون نخست‌وزیر چین به امارات و ایران. اما مهم‌تر از سفرها، مضمون سفرها بود که خیرساز شد. اظهارات ناروای چینی‌ها در خصوص جزایر سه‌گانه ایران در بیانیه مشترک با شورای همکاری خلیج فارس و بلافاصله دلجویی در تهران. رفتاری که نشان از وجود برنامه‌ریزی در سفرها و اظهارات چینی‌ها می‌داد. در همین باره به سراغ دکتر شهرزاد شریعتی، دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس رفتیم و با او درباره رفتارهای متفاوت و بعضاً ضد و نقیض چین به گفت‌وگو نشستیم.

چین در ارتباط با کشورهای عربی بویژه عربستان چه هدفی را دنبال می‌کند؟

یکی از اهداف اصلی جمهوری خلق چین از توسعه روابط با عربستان پیگیری توسعه طرح کمربند-راه (Belt and Road Initiative (BRI)) است که از سال ۲۰۱۳ به صورت رسمی از سوی دولت چین آغاز شده است. طرح مذکور که یکی از بزرگ‌ترین و جاه‌طلبانه‌ترین پروژه‌های توسعه در تاریخ جهان شناخته می‌شود، شامل گسترش حوزه نفوذ چین در مناطق مختلف جهان از جمله غرب آسیا، دستیابی مداوم به بازارهای جهانی، ایجاد شبکه ارتباطی حمل‌ونقل جدید و البته مقرون به صرفه با محوریت چین و در نهایت ایجاد مسیرهای امن انتقال انرژی است. کشور چین تاکنون سرمایه‌گذاری بسیار زیادی در این طرح انجام داده و براساس گزارش‌های رسمی رهبران پکن قصد دارند تا صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین با مشارکت دیگر کشورهای جهان در سال ۲۰۴۹، تا (۸ تریلیون دلار) در این طرح و عربستان را به نفع چین تغییر دهد.

هدف عربستان از نزدیک شدن به چین چیست؟

در سوی دیگر ماجرا عربستان سعودی هم انگیزه‌های فراوانی برای توسعه روابط با چین دارد که این انگیزه‌ها را می‌توان بسیار مشابه با انگیزه‌های محمد رضا پهلوی در اواخر سلطنت وی در توسعه روابط با چین ارزیابی کرد. به تعبیری همان‌طور که رژیم پهلوی از سوی امریکایی‌ها و غربی‌ها به طور مداوم تحقیر می‌شد رهبران عربستان نیز بدستی تصور می‌کنند که غربی‌ها به آنان از منظر تحقیرآمیز نگاه می‌کنند؛ در نتیجه این ادراک رهبران سعودی تلاش می‌کنند همان مسیری را بروند که شاه ایران در توسعه روابط با چین و شوروی سابق در قالب سیاست مستقل ملی پیگیری می‌کرد؛ اگرچه در پایان شاه ایران نتوانست موفق باشد.

چرا هم‌زمان با سفر رئیس‌جمهور چین به عربستان و مواضع ضد ایرانی، معاون نخست‌وزیر این کشور به ایران می‌آید و سعی می‌کند بابت رفتارهای ضد ایرانی دلجویی و عذرخواهی کند؟

در موضع توجیه رفتارهای به ظاهر متناقض چین در قبال ایران و عربستان، می‌توان به «دکترین خیزش صلح‌آمیز» چین اشاره کرد. به بیان بهتر برای درک رفتار چین در نیمه اول قرن ۲۱ به نظر می‌رسد که نخست باید به این پرسش پاسخ داد که چین در فرایند توسعه سریع اقتصادی خود با چه محیط بین‌المللی مواجه است و چگونه باید از منافع اقتصادی و امنیتی خود برابر تهدیدات جهانی حفاظت کند؟ با عنایت به موضوع مهمی که در سال‌های اخیر در خارج و داخل چین تحت عنوان دکترین «خیزش صلح‌آمیز» مطرح شده، می‌توان گفت جدا از اینکه طرح موضوع خیزش صلح‌آمیز چین تا چه میزان کاربردی است، به نظر می‌رسد رهبران جمهوری خلق چین نیاز به یک محیط صلح‌آمیز برای پیشرفت را بخوبی درک کرده‌اند.

دیدگاه اکثریت استراتژیست‌های چینی به شدت متمایل به آموزه‌های رئالیستی

است که مبتنی بر اعتقاد به وجود هرج و مرج در نظام بین‌المللی صورت‌بندی شده و به هنگام برنامه‌ریزی در مورد انتخاب راهبردهای خارجی چین، بر منافع امنیت ملی تأکید می‌کند و حتی آن را بالاتر از منافع صرفاً اقتصادی تصور و تلاش می‌کند بیشترین منافع را در همه سطوح متوجه خود سازد.

علت اهمیت منطقه غرب آسیا برای چین و تلاش برای افزایش نقش خود در این منطقه چیست؟
منطقه غرب آسیا یکی از مناطق مهم برای حضور چین در مسائل بین‌المللی و اعمال نفوذ و قدرت‌نمایی این کشور در قرن ۲۱ محسوب می‌شود. در این میان، بدیهی است که نوسانات روابط چین و ایران نیز بر اعمال سیاست‌های

چشم‌اندازی برای حضور چین در غرب آسیا پیش‌بینی می‌شود؟

به نظر می‌رسد چشم‌انداز حضور تمام‌عیار چین در غرب آسیا با وجود پایگاه‌های نظامی امریکا دست‌کم تا یک دهه آینده همچنان محل تردید باشد. اما چین با صبر و انتظار، تلاش زیادی را در قالب همان دکترین خیزش صلح‌آمیز برای ورود با احتیاط و تدریجی در غرب آسیا ایفا می‌کند. از سوی دیگر و در پاسخ به تلاش چین، باید به تحرکات ایالات متحده که شباهت بسیاری با اقدامات واشنگتن در دوران جنگ سرد

افزایش قدرت چین در سطح نظام بین‌الملل و همچنین چالش‌های ایالات متحده در غرب آسیا، بیش از یک دهه است که باعث شده امریکا با ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای و پیوند دادن این ائتلاف‌ها به یکدیگر، در عمل شبکه نفوذ جهانی خود را در برابر چین حفظ کند

